

نبرد فرهنگی و هنر معاصر

مقایسه‌ای فرانسوی - امریکایی

ناثالی هنیک

مترجم: جمال عرب‌زاده



بسم الله الرحمن الرحيم



ناشر برگزیده

هفدهمین، بیستمین، بیست و دومین
بیست و سومین و بیست و چهارمین
نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

نبرد فرهنگی و هنر معاصر

مقایسه ای فرانسوی - امریکایی

ناتالی هِنیک
مترجم: جمال عرب زاده

انتشارات علمی و فرهنگی
چاپ نخست
تهران ۱۴۰۱

سرشناسه	هینش، ناتالی، ۱۹۵۵- م. Heinrich, Nathalie
عنوان و نام پدیدآور	نبرد فرهنگی و هنر معاصر: مقایسه‌ای فرانسوی - آمریکایی / ناتالی هینک؛ مترجم: جمال عرب‌زاده.
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	بیست و نه، ۱۷۱، مصور.
شابک	۹۷۸-۶۱۲-۲۷۷-۰۵۵-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
یادداشت	عنوان اصلی: Guerre culturelle et art contemporain: Une comparaison franco-américaine, ©2010.
یادداشت	کتابنامه: ص. [۱۶۱]-۱۶۸.
موضوع	هنر و اجتماع -- فرانسه Art and society -- France
موضوع	هنر و اجتماع -- ایالات متحده Art and society -- United States
موضوع	هنر -- درک و شناخت ارزش‌ها Art appreciation
شناسهٔ افزوده	عرب‌زاده، جمال، ۱۳۵۲-، مترجم
شناسهٔ افزوده	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی Elmi - Farhangi Publishing Co
رده‌بندی کنگره	N۷۲
رده‌بندی دیویی	۷۲۰/۱۰۳
شمارهٔ کتابشناسی ملی	۷۵۱۰۱۷۲

نبرد فرهنگی و هنر معاصر

مقایسه‌ای فرانسوی - آمریکایی

نویسنده: ناتالی هینک

مترجم: جمال عرب‌زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه هنر)

چاپ نخست: ۱۴۰۱

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

اداره مرکزی:

تهران، بلوار نلسون ماندلا، تقاطع حقانی (جهان کودک)، خیابان انتشارات علمی و فرهنگی

(کمان سابق)، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ تلفن: ۵۸۴۱۵

فروشگاه مرکزی (پرندۀ آبی):

بلوار نلسون ماندلا، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلغام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳-۲۲۰۴۱۴

فروشگاه یک:

خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصل دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۷۸۶-۶۶۴۰۰

فروشگاه دو:

خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراغانی و خردمند، پلاک ۱۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶



انتشارات علمی و فرهنگی

برای هدی و آیلین

فهرست مطالب

فهرست تصاویر	نه
مقدمه مترجم	یازده
درباره مؤلف	پانزده
پیشگفتار	بیست و یک
فصل اول: روش	۱
فصل دوم: فرم‌های واپس‌زنی	۱۱
میان جنجال و رسوایی	۱۵
میان امر جمعی و فردی	۲۶
فصل سوم: ارزش‌های مورد دفاع	۲۹
دلایل بروز انزجار	۳۰
استدلال‌ها، ارزش‌ها و خوانش‌های ارزشی	۳۵
فصل چهارم: اثر و مؤلفش	۴۷
زیبایی‌شناختی	۴۸

هرمنوتیک.....	۵۳
زیبایی‌شناختی / تطهیر گرا.....	۵۴
اخلاق گرا.....	۶۲
تطهیر گرا، حیثیتی و خانگی.....	۶۴
فصل پنجم: رابطه با بافتار.....	۶۹
کارکرد گرا.....	۷۴
مدنی.....	۷۶
مدنی / اقتصادی.....	۸۸
حقوقی.....	۹۲
فصل ششم: مرجع.....	۹۵
مدنی.....	۹۷
مدنی / اخلاق گرا.....	۱۰۰
اخلاق گرا: بی‌شرمی.....	۱۰۲
اخلاق گرا: توهین به مقدسات.....	۱۱۲
اخلاق گرا: بی‌رحمی.....	۱۱۹
فصل هفتم: بازگشت: ایالات متحد از منظر فرانسه.....	۱۲۵
موضوعات.....	۱۲۸
سوزها.....	۱۳۱
بافتار.....	۱۳۴
عمومیت یافتن، فردیت یافتن.....	۱۴۴
ضمیمه: درباره یک اثر نامطلوب آزادی‌خواهی.....	۱۴۷
منابع.....	۱۶۱
نمایه.....	۱۶۹

فهرست تصاویر

- تصویر ۱. دانیل بورن، دو حیاط، ۱۹۸۵-۱۹۸۶ ۴
- تصویر ۲. (سمت راست) درد اسکات تیلر، شایسته‌ترین روش نمایش پرچم امریکا چیست؟، ۱۹۸۸؛ (سمت چپ) جزئیات اثر ۱۷
- تصویر ۳. (سمت راست) دیوید نلسون، بند و نشاط، ۱۹۸۸؛ (سمت چپ) معترضان بعد از پایین کشیدن تابلو ۲۰
- تصویر ۴. (سمت راست) هوآنگک یونگک پینگک، تئاتر دنیا، ۱۹۹۴؛ (سمت چپ) جزئیات اثر مربوط به بازنمایش اثر در سال ۲۰۰۷ ۲۱
- تصویر ۵. ریچارد سرا، قوس مورب، ۱۹۸۱ (در سال ۱۹۸۹ برچیده شد) ۲۲
- تصویر ۶. برنار پژه، چشمه اولاف پالمه، ۱۹۸۶ ۳۶
- تصویر ۷. آندرس سرانو، مریم سیاه، ۱۹۹۰ ۴۵
- تصویر ۸. گری ریوشل، دروازه میراثی کنکورد (دکل‌های روح کنکورد)، ۱۹۸۹ ۵۱
- تصویر ۹. کلاوس اولدنبرگ، مهر آزادی، نصب ۱۹۹۱ ۵۵
- تصویر ۱۰. مایکل هایزر، منفی مضاعف، ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ ۷۱

- تصویر ۱۱. کریستو و ژان کلود، دروازه‌ها، ۲۰۰۵ ۷۲
- تصویر ۱۲. کارل آندره، مجسمه فضای سنگی، ۱۹۷۷ ۷۵
- تصویر ۱۳. آن و پاتریک پواریه، گردش کلاسیک، ۱۹۸۶ ۷۷
- تصویر ۱۴. آندرو لیستر، بهشت، ۱۹۸۶ ۷۸
- تصویر ۱۵. جیم سانبورن، کریتوس ۸۱
- تصویر ۱۶. آندرو لیستر، دروازه سینسیناتی، ۱۹۸۸ ۹۴
- تصویر ۱۷. (یکی از دو پانل اثر) مایکل اسپافورد، دوازده خوان هر کول، ۱۹۸۰ (نصب ۱۹۹۳) ۹۶
- تصویر ۱۸. والتر دی ماریا، ستاره (۱۹۷۲)، صلیب (۱۹۶۵ - ۱۹۶۶) و شی موزه‌ای (۱۹۶۶) ۹۷
- تصویر ۱۹. لوئیز خیمنز، کارگر فولاد خوش قواره، ۱۹۹۰ ۱۰۰
- تصویر ۲۰. جودی شیکاگو، مهمانی شام، ۱۹۷۴ - ۱۹۷۹ ۱۰۶
- تصویر ۲۱. آندرس سرانو، مسیح ادراری، ۱۹۸۷ ۱۱۳
- تصویر ۲۲. آندرس سرانو، سری سردخانه (انتقال خونی که باعث ایدز شده) ۱۱۵
- تصویر ۲۳. رمو کامپویانو، تعادل ذهن / قلب، ۱۹۸۹ ۱۱۸
- تصویر ۲۴. یو کینوری یاناگی، پرچم جهان با لانه مورچه، ۱۹۹۰ ۱۲۰

مقدمه مترجم

هنر از احساسات ما، آگاهی ما، زندگی معنوی ما، همین طور از زندگی فیزیکی و جنسی مان سخن می گوید. هنرمند لذت و برکت را پاس می دارد، اما با مرگ، افسردگی و ناامیدی هم روبه رو می شود. (برگرفته از متن)

کتاب حاضر نتیجه پژوهشی جامعه شناسانه در زمینه هنر معاصر است و از اولین نمونه های ترجمه شده چنین مطالعاتی است که خود را در میان کتاب های این حوزه متمایز می نماید. موضوع کتاب حیطه مطالعات فرهنگی در مورد هنر معاصر، همچنین سیاست های فرهنگی دولتی را شامل می شود؛ اگرچه ابعاد حقوقی آن با برخی حوزه های دیگر، از جمله کنش های جمعی هنر، نیز مرتبط می گردد.

ناتالی هنیک، مؤلف این کتاب، پژوهشگری برجسته در حوزه جامعه شناسی است که به مدتی طولانی مطالعات خود را بر ویژگی های هنر معاصر در قبال جامعه معطوف کرده است. او در این مطالعه، که دارای وجهی تطبیقی است، سعی دارد به مقایسه دو کشور فرانسه و ایالات متحد در مورد واکنش به وجه پیش روی هنر معاصر بپردازد. در

اینجا رویکرد او معطوف به یک جامعه‌شناسی «ارزشی» است که مبنای آن بررسی ارزش‌های درگیر در واپس‌زنی سطوح مختلف جامعه به تولیدات هنری است. هنیک با بررسی این ارزش‌ها چهارچوبی تحلیلی برای مقایسه واکنش‌ها در دو کشور بنا می‌نهد و بر پایه مستندات در دست تحلیل‌هایی برجسته ارائه می‌دهد.

روش هنیک در تحلیلش ساده و بی‌طرفانه است، که نمونه خوبی از تعهد و بی‌طرفی علمی در مطالعاتی از این دست به شمار می‌رود. می‌توان انتظار داشت که هر پژوهشگر فرهنگی از هنر معاصر یا فرهنگ نخبه‌گرا جانبداری کند، اما مؤلف این کتاب واکنش‌های مدافعان و مخالفان هنر معاصر را بر اساس سیستمی ارزشی و به صورتی بی‌طرفانه مورد بررسی قرار داده است. در اولین برخورد با متن این احتمال وجود دارد که تحلیل ارزشی هنر معاصر به شکل مطرح و بدون توجه به کیفیات مستقل هنری (زیبایی‌شناختی، فرمی، دریافت و...) را تا حدی تقلیل‌گرا بدانیم، اما نتیجه کار مثال خوبی از بی‌طرفی علمی و عینیت‌گرایی‌ای است که از کار یک پژوهشگر انتظار می‌رود.

نحوه انجام سفارش‌های عمومی و توزیع بودجه‌های دولتی در عرصه هنر همواره از مباحث جنجال‌برانگیز بوده است، به خصوص از مدرنیسم تا دوره معاصر که آثار هنری پیشرو به طور روزافزونی ارزش‌های نهادی را مخدوش یا حلقه مخاطبان خود را به جمعی از نخبگان محدود کرده‌اند. این امر وظیفه نهادهای فرهنگی همگانی در مورد هنر معاصر را بسیار چالش‌برانگیز نموده است. برخی از این چالش‌ها و نحوه عمل نهادهای مرتبط در فرانسه و ایالات متحد در اینجا مطرح می‌شوند.

مطالعه متن پیش‌رو این تصور رایج را به چالش می‌کشد که در جامعه غربی خلق هنری برای بیان خود در عرصه اجتماعی امکانات

نامحدودی دارد. هنر معاصر در تقابل و مبارزه‌ای مداوم با نیروهای معارض در جامعه غربی نیز وجود خود را توجیه می‌کند، به طوری که بدون چنین تلاشی ماهیت اصلی خود را از دست می‌دهد. این وجه تقابلی و واکنش‌برانگیز هنر معاصر نوعی پیروی از سنت آوانگارد نیست، بلکه از خصوصیات درونی آن محسوب می‌شود که ریشه در وجه انتقادی‌اش دارد. هنر معاصر با ایجاد چالش بین خود و هر سنت پیشینی (تاریخ، علم و اخلاق) مسئله تقابل ارزشی را همواره مطرح می‌کند. همین امر رویکرد و روش مؤلف برای طرح مسئله اصلی کتاب و پاسخگویی به آن را توجیه می‌کند.

با اینکه کلیه حساسیت‌های طرح‌شده در تفاوت میان دو جامعه مورد مطالعه - به خصوص در سطح سیاست‌گذاری‌های فرهنگی - بر وضعیت هنر معاصر در جامعه کنونی ما منطبق نیست، اما این کتاب می‌تواند به دسته‌بندی و نظم دادن به استدلال‌ها، و دسته‌بندی جناح‌های مختلف در تقابلات فکری انسجام بیشتری ببخشد. به طور مسلم این امر، علاوه بر تحکیم مواضع طرفین دعوی، به دریافت و حل و فصل سلیقه‌ای مباحث مورد جدال پیرامون هنر معاصر مجال کمتری خواهد داد.

این کتاب دربرگیرنده نکاتی مفید برای گروه‌های مختلفی از خوانندگان است: علاقه‌مندانی به هنر معاصر که سعی دارند به دسته‌بندی و تبیین نظری نسبت خود با هنر معاصر پردازند؛ هنرمندان و هنرجویانی که به دنبال مثال‌هایی ملموس از آثار هنرمندانی هستند که باعث برانگیخته شدن واکنش‌هایی جمعی شده‌اند؛ پژوهشگرانی در حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی که علاقه‌مند به آشنایی با نمونه‌ای از روش‌شناسی در مورد رابطه جامعه و هنر و مطالعه آن هستند؛ در نهایت، مسئولان و مدیران فرهنگی‌ای که نیت تأمل در نحوه مصرف منابع دولتی در هنر معاصر و عوارض ناشی از تقابل

ارزش‌های هنری و ارزش‌های غالب جمعی را دارند. اگرچه در نبود آمار دقیق فعالیت‌های فرهنگی در کشورمان فقط می‌توان به حدس، گمان و روایت‌های غرض‌ورزانه سیاسی و شخصی تکیه کرد، مطالعه کتاب حاضر بار دیگر این نکته را مشخص می‌سازد که بدون ثبت فعالیت‌ها و نتایج هر رویدادی در حیطه فرهنگی - چه در چهارچوب و چه خارج از ارزش‌های رایج - امکان شناخت، مطالعه و نیز طرح راه‌حل برای معضلات احتمالی در حوزه فرهنگ عمومی وجود نخواهد داشت.

ناتالی هنیگ هم تا اندازه‌ای وارث سنت دشوارنویسی استادانش نظیر بوردیو است. جملات بلند (گاه تا سیزده سطر)، لحن پیچیده و زبان مملو از کنایه‌ها و آرایه‌های ادبی و در عین حال دقیق او دشواری ترجمه این اثر را دوچندان می‌ساخت. جدا از کاستی‌هایی که مترجم آگاهانه متوجه خود می‌داند، بخشی از خشکی و پیچیدگی متن مربوط به تلاش مترجم برای وفاداری به لحن خاص مؤلف است. خواننده دقیق این امر را در مقایسه با لحن محاوره‌ای اسناد ارائه‌شده در متن متوجه خواهد شد.

در اینجا اشاره به چند نکته در مورد برگردان فارسی کتاب ضروری می‌نماید: نحوه املای اسامی بر اساس تلفظ در کشور مبدأ است. همچنین در مطرح کردن برخی اسامی و یا اصطلاحات غیرمحترمانه در رابطه با اظهارات افراد در مورد آثار سعی بر آن بوده است که در عین وفاداری به محتوا، تا حد امکان از الفاظی متناسب با عرف جامعه استفاده شود. اگرچه مؤلف در شرح روش خود، دلایلی برای استفاده نکردن از تصاویر ارائه کرده است، اما به دلیل ضرورت بازشناسی برخی آثار تا حدی ناشناخته برای خواننده ایرانی تلاش شد که تا حد مقتضی از تصاویر به عنوان مکملی برای متن استفاده شود. اکثر آثار مورد اشاره در دهه هشتاد و نیمه اول دهه نود میلادی خلق شده‌اند، یعنی زمانی که رسانه‌هایی همچون اینترنت و تصاویر دیجیتال وجود

نداشته و یا فراگیر نبوده است. از این رو، با فرض اینکه دسترسی به این تصاویر برای خواننده دشوار است، نمونه‌های قابل نمایش آن‌ها بعد از جست‌وجوهای پیچیده و گاه دشوار، تهیه و در کتاب به کار گرفته شد. همچنین برای فهم بهتر متن برای خواننده سعی شد تا برخی از عناوین و اصطلاحات مورد رجوع در کتاب، که مشابهی در زبان و فرهنگ فارسی نداشتند، در پانوشت توضیح داده شوند. توضیحات مترجم در پانوشت با علامت «م» از یادداشت‌های مؤلف متمایز شده‌اند.

در پایان از دوستانی که با کمک‌های بی‌دریغشان مرا در ترجمه متن حاضر یاری نمودند سپاسگزاری می‌کنم: سرکار خانم لیلا غفاری که با صرف حوصله و دقت بسیار، مشتاقانه ویراستاری اولیه ترجمه را بر عهده داشتند؛ همکار گرامی ام جناب آقای دکتر محمدرضا مریدی که پیشنهاد ترجمه کتاب را طرح کردند؛ و جناب آقای دکتر ناصرالدین غراب، و کارکنان انتشارات علمی و فرهنگی که در طبع کتاب از هیچ همراهی و همکاری‌ای دریغ نکردند. امید است که مطالعه کتاب پیش رو حاوی نکاتی مفید برای خوانندگان به خصوص علاقه‌مندان عرصه هنر و فرهنگ باشد.

درباره مؤلف

ناتالی هنیک^۱ (۱۹۵۵ -)، جامعه‌شناس فرانسوی، متخصص هنر و به طور خاص هنر معاصر است. او در سال ۱۹۸۱ رساله دکتری خود را زیر نظر پی‌یر بوردیو^۲ در مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی به انجام رساند و در حال حاضر مدیر پژوهش در مراکزی مانند مرکز ملی پژوهش‌های علمی، مرکز تحقیقات هنر و زبان و مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی است.

۱. تلفظ نام خانوادگی Nathalie Heinich به صورت énik است.

۲. (1930-2002) Pierre Bourdieu: جامعه‌شناس و مردم‌شناس مشهور فرانسوی.

محورهای اصلی مطالعات هنیک در جامعه‌شناسی هنر شامل تاریخ جایگاه هنرمند، هنر معاصر، همچنین بحران هویت و خصوصاً هویت زنانه است. او که در ابتدا تحت تأثیر آموزه‌های بوردیو بود، به تدریج به روش جامعه‌شناسی تاریخی نوربرت الیاس^۱ گرایش پیدا کرد و طی همکاری با مؤسس گروه جامعه‌شناسی سیاسی و اخلاقی^۲، لوک بولتانسکی^۳، با دور شدن از سنت مارکسیستی جامعه‌شناسی، به سمت نوعی رهیافت عمل‌گرایانه در جامعه‌شناسی سوق یافت. به گفته خود او، آثار متأخرش بیشتر حاصل جامعه‌شناسی از طریق هنر است نه جامعه‌شناسی هنر^۴.

برخی آثار او عبارت‌اند از شکوه ون گوگ: نوشتاری مردم‌شناسانه درباره ستایش (۱۹۹۱)، هنرمند بودن: تحولات جایگاه نقاشان و مجسمه‌سازان (۱۹۹۵)، جایگاه زن: هویت زنانه در تخیل غربی (۱۹۹۵)، جامعه‌شناسی نوربرت الیاس (۱۹۹۷)، هنر معاصر در معرض انکار (۱۹۹۷)، آنچه هنر برای جامعه‌شناسی به ارمغان می‌آورد (۱۹۹۸)، برای پایان دادن به جدال هنر معاصر (۲۰۰۰)، هنر، آفرینش، تخیل: میان جامعه‌شناسی و فلسفه (۲۰۰۴)، گاف‌های جامعه‌شناسی (۲۰۰۹)، نبرد فرهنگی و هنر معاصر: قیاسی فرانسوی - امریکایی. از میان آثار هنیک، دو کتاب به قلم توانای دکتر عبدالحسین نیک‌گوهر به فارسی

۱. Norbert Elias (1897-1990): نویسنده و جامعه‌شناس آلمانی.

2. Groupe de Sociologie Politique et Morale (GSPM)

۳. Luc Boltanski (1940-): جامعه‌شناس معاصر فرانسوی.

۴. در نگاه کلاسیک جامعه‌شناسی، هنر موضوعی است که می‌توان آن را در چهارچوب روابط جمعی مورد مطالعه قرار داد. آخرین نسل از جامعه‌شناسان نگاه متفاوتی به رابطه هنر و جامعه دارند. در این نگاه، مطالعه جامعه‌شناختی هنر فقط باعث فهم سازوکار درونی هنر نمی‌شود، بلکه عامل نوعی شناخت از جامعه‌ای خواهد بود که در آن هنر بروز یافته است. برای تحلیل عمیق‌تر دیدگاه‌های مختلف در مورد جامعه‌شناسی هنر — هنیک، ناتالی، جامعه‌شناسی هنر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران: آگه، ۱۳۸۴.

مقدمه مترجم / هفده

برگردانده شده‌اند: جامعه‌شناسی هنر، تهران: آگه، ۱۳۸۴؛ جامعه‌شناسی
نوربرت الیاس، تهران: نی، ۱۳۸۹.

جمال عرب‌زاده

زمستان ۱۳۹۶

برای مشخص شدن این امر کافی است در مقابل اثری از دوره خودمان بایستیم که به تمدنی قدیمی یا خارجی تعلق ندارد؛ درست مانند مثال کاه و تیر چوبی انجیل^۱. هر تمدنی خود را طبیعی می‌بیند و از خود دچار حیرت نمی‌شود؛ با وجود «دیگری» است که مشکلات پنهان بروز می‌کند، یا به نوعی به محض آنکه سرحد زمانی یا مکانی را درمی‌نوردیم، معیارهایمان را عوض می‌کنیم. برای مثال نزد خودمان مقیاسی درون اجتماعی و وقتی خارج هستیم مقیاسی ملی اعمال می‌کنیم. رفتاری که به نظریک فرانسوی در کشور خودش رفتاری مختص خرده‌بورژوازی است در امریکا به نظرش رفتاری امریکایی و در نتیجه قابل تعمیم به تمام کشور خواهد آمد.

پل وین^۲

۱. «از کسی ایراد نگیرید، تا از شما نیز ایراد نگیرند؛ زیرا هر طور که با دیگران رفتار کنید همان گونه با شما رفتار خواهند کرد. چرا پَر کاه را در چشم برادرت می‌بینی، اما تیرک چوبی را در چشم خودت نمی‌بینی؟ چگونه جرئت می‌کنی بگویی اجازه بده پَر کاه را از چشمت درآورم، در حالی که خودت چوبی در چشم داری؟ ای متظاهر، نخست چوب را از چشم خود درآور تا بهتر بتوانی پَر کاه را در چشم برادرت ببینی» (حکایتی از انجیل متی (۱۷: ۵) که اشاره به این دارد که انسان معمولاً کور به عیوب بزرگ خود و بینا به عیوب جزئی دیگران است). - م.

۲. (Paul Veyne (1940-): مورخ و باستان‌شناس فرانسوی، متخصص در زمینه رِم باستان. - م.

پیشگفتار

این کتاب حاصل تحقیقی به سال ۱۹۹۶ در ایالات شرقی امریکا است که در چهارچوب برنامه پژوهشی تطبیقی امریکایی / فرانسوی، زیر نظر میشل لامون^۱، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه پرینستون^۲، و لوران تونو^۳، مدیر گروه جامعه‌شناسی سیاسی و اخلاق مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی^۴، صورت گرفته است. از این گفتار فقط مقاله‌ای فشرده به زبان انگلیسی در اثر مشترک منتشر شده از این برنامه تحقیقی چاپ گردیده است^۵؛ بنابراین انتشار نسخه‌ای کامل‌تر، برای خوانندگان

۱. (۱۹۵۷- Michèle Lamont: جامعه‌شناس کانادایی و استاد دانشگاه هاروارد. - م. ۲. Princeton

۳. (۱۹۴۹- Laurent Thévenot: جامعه‌شناس و اقتصاددان فرانسوی و از مبدعان جریان تجربه‌گرایی در جامعه‌شناسی به همراه لوک بولانسکی. - م.

۴. l'École des Hautes Études en Sciences Sociales

۵. "From Rejection of Contemporary Art to Culture War", in Lamont & Thévenot (eds.), *Rethinking Comparative Cultural Sociology: Repertoires of Evaluation in France and the United States*.

هفت موضوع دیگر پژوهش حول این موضوعات بودند: بسیج ارزش‌های فرهنگی، معنوی یا مادی، جنبش‌های زیست‌محیطی، اخلاق روزنامه‌نگاری، آزار جنسی، معیارهای امتیازبندی دانشگاه‌ها، فضای نشر، باشگاه‌های روتاری.

فرانسوی زبان مفید به نظر می‌رسد.

در زمان انجام این تحقیق، ده سال از «نبرد فرهنگی» گذشته بود؛ بحث‌هایی که امریکا را دگرگون کرده و باعث کاهش چشمگیر حمایت مالی دولتی از فرهنگ شده بود. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، به شکلی مشابه، وضعیتی در فرانسه بروز کرد که «بحران هنر معاصر» نامیده شد و موجب قلم‌فرسایی‌ها و موضع‌گیری‌های مختلفی گردید. هرچند به نظر می‌آید که طرفین مجادله در هر دو سوی اقیانوس اطلس تا حدی آرام گرفته‌اند، اما رفع این اختلاف ریشه‌دار دور از تصور می‌نماید؛ و این امر، خود بروز مجدد آن را محتمل می‌گرداند. پس نتایج حاصل از این پژوهش دوگانه امروزه نیز می‌توانند اعتبار خود را حفظ کنند، که با در نظر گرفتن روش تحقیق واقع در بستر زمانی - مکانی معین و مدارک گردآوری‌شده، الحاق موارد مطروحه بعد از زمان انجام تحقیق تا به امروز ضروری به نظر نیامد.^۱

اثر پیش‌رو در راستای دیدگاه تطبیقی پژوهشی اولیه است که در فرانسه و بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ انجام گرفته است.^۲ پژوهش مورد نظر، خود را در افق نوعی جامعه‌شناسی هنر و به صورت دقیق‌تر،

۱. فقط برای یادآوری باید به جنجالی اشاره کنم که در سال ۱۹۹۸ در نمایشگاه «احساس» اتفاق افتاد؛ نمایشگاهی که بعد از لندن در موزه بروکلین نیویورک آثار مجموعه‌ساجی را به نمایش گذاشت که مشخصه مشترکشان تلاشی روشمند برای بازی با شوکی حسی، انزجار و تنفر بود.

Cf. Flahutez, "L'exposition *Sensation* au Brooklyn Museum of Art".

2. N. Heinich, "Les rejets de l'art contemporain", Délégation aux Arts Plastiques du ministère de la Culture, association ADRESSE, 1995.

نتایج اصلی منتشر شده در:

Le Triple jeu de l'art contemporain: Sociologie des arts plastiques; L'Art contemporain exposé aux rejets: Études de cas; Pour en finir avec la querelle de l'art contemporain; Face à l'art contemporain: Lettre à un commissaire, suivi de Retour sur les retours, Paris, L'Échoppe, 2003.

دریافت زیبایی شناختی ثبت می کند. در پانزده سال گذشته، این دیدگاه در جهت دهی جامعه شناسی ارزش ها^۱ رو به افول بود؛ مخصوصاً از طریق این قیاس فرانسوی - امریکایی: برنامه ای که این تحقیق را اولین تلاش روشمندش در امریکا محسوب کرده و تا به امروز تجربیات دیگری در زمینه های مختلف در پی داشته است.^۲



از زمان شروع این تحقیق، سعی بر این بود که ایده هایی که در این مدت بروز یافته اند در آن وارد نشود؛ زیرا همان گونه که این تحقیق میدانی به بازه زمانی - مکانی کاملاً معینی محدود بوده است، شرایط پرسش برانگیز آن هم در زمان انجامش کار کرد داشته است: پس هر تلاشی برای پیوند دادن آنچه تا به امروز از زمینه های دیگر به دست

۱. *sociologie des valeurs*: رویکردی در جامعه شناسی که در آن نظم اجتماعی بر پایه ارزش های عام و مشترک مورد بررسی قرار می گیرد. ارزش ها برای اعضای یک گروه اجتماعی حائز اهمیت هستند و آرمان مشترک جمع را تشکیل می دهند. این ارزش ها معیار اعمال اجتماعی هستند و پیوند دستگاه های اجتماعی و شخصی با جذب ارزش ها از طریق فرایند جامعه پذیری تحقق می یابد. برای مطالعه بیشتر - صانعی، پرویز، جامعه شناسی ارزش ها، تهران: جار، ۱۳۷۹. م.

2. Cf. Heinrich, "L'art contemporain exposé aux rejets: pour une sociologie des valeurs", *Hermès*, n°20 (repris dans *L'Art contemporain expose aux rejets*, op. cit.); "La querelle des arts premiers: un conflit de registres de valeurs", in Escande & Schaeffer (éds.), *L'Esthétique: Europe, Chine et ailleurs*; "Des objets d'art aux registres de valeurs: la sociologie aux limites de l'anthropologie", in Coquet, Derlon & Jeudy-Ballini (éds.), *Les Cultures à l'œuvre: Rencontres en art; La fabrique du patrimoine: De la cathédre à la petite cuillère*; Heinrich & Verdrager, "Les valeurs scientifiques au travail", *Sociologie et sociétés*, vol. XXXVIII, n° 2, 2006.

۳. در این باره می توان به یک معرفی اجمالی مراجعه کرد در Heinrich, "Les affinités sélectives", in Breviglieri, Lafaye & Trom, *Compétences critiques et sens de la justice*. Colloque de Cerisy, Paris, Economica, 2009.

آورده‌ام، چه در بُعد روش‌شناسی (به خصوص ناهمخوانی روش‌های آماری سنتی با مسائل مربوط به ارزش‌ها) و چه نظری، با گرایش به سمت یک جامعه‌شناسی کاملاً تجربی، توصیفی و جامع، در تقابل با رویکردهای موجود - گاه کاملاً نظری، گاه هنجاری و گاه تبیینی^۱ - بیهوده می‌نماید.

نقطه اشتراک دیگر این رویکردها در رابطه با ارزش‌های آن است که از جنبه بافتاری^۲ غافل هستند: این گونه تفکر یا تحقیق، چه به صورت انتزاعی به تعریف «ارزش‌ها» پردازد و چه به نحوی ملموس میزان وابستگی کنشگران اجتماعی^۳ به این یا آن ارزش را اندازه‌گیری کند، متغیر بافتار را در نظر نمی‌گیرد (به گونه‌ای واضح که در نظریه انتخاب عقلانی^۴، نظریه تصمیم‌گیری یا نظریه بازی^۵ شاهد آن هستیم).

1. Cf. N. Heinrich, "La sociologie à l'épreuve des valeurs", *Cahiers internationaux de sociologie*, vol. cxxi, juillet-décembre 2006.

2. contextuelle

۳. acteur: به فارسی «بازیگر اجتماعی» هم خوانده می‌شود و به معنای شخصی است که در یک اجتماع و در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی قرار می‌گیرد و از طریق کنش خود در تعامل با جمع، جزئی از نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد و با حضور اجتماعی خود به آن امکان تداوم می‌بخشد. -م.

۴. théorie du choix rationnel: این نظریه به بررسی منطق عملکردهای انسانی می‌پردازد و در قبال منطق عقلانی، نتیجه یعنی انتفاع یا ضرری که این اعمال در مورد شخص حاصل می‌کند را به آزمون می‌کشد. حوزه اصلی این نظریه اقتصاد است، اما در تعاملات اجتماعی کاربرد گسترده‌ای دارد. از زمینه‌های مرتبط با این نظریه می‌توان به منطق رفتاری و کاربردی اشاره نمود. -م.

۵. théorie des jeux: زمینه اصلی نظریه بازی‌ها ریاضیات است، اما از دهه‌های میانی قرن بیستم، این نظریه به تحلیل سیستم‌های رقابتی و تعاملی در اقتصاد و جامعه‌شناسی وارد شده است. این نظریه هنجاری در جامعه‌شناسی، بدون توضیح در مورد منشأ رفتار افراد، نشان می‌دهد که آن‌ها چگونه به اهداف مورد نظر خود دست می‌یابند. به نظر می‌آید که اشاره هنیک در اینجا نگاه نوربرت الیاس را به بازی مد نظر دارد. الیاس بازی را به عنوان مثالی برای توضیح رابطه الگوهای رفتارهای جمعی و فرم انتزاعی رفتار فرد به کار گرفته بود؛ مدلی که در آن، قواعد مشخص برای اعمال با هدف دستیابی به اهدافی معین، می‌تواند به نتایج متفاوتی ختم شوند. -م.

برخلاف آن، در رویکرد من، بافتار عامل تعیین کننده در فعال سازی سیستم های ارزشی است. این نسبی بودن بیشتر ارزش ها، در ارتباط با زمینه عملشان، از منطق رابطه آن ها فرو نمی کاهد؛ زیرا برای تبعیت از منطق یا انسجامی درونی، نیازی به مطلق بودن ندارد. فقط باید میان مفهوم منطق ارزش گذاری^۱ و مفهوم محدودتر عقلانیت - که شدیداً از پیش فرض های هنجاری آفت زده است - امتیاز منتسب به کاربرد یا سودمندی، استدلال، واقعیت مندی و غیره تفکیک قائل شود.

بافتار (یا آنچه در واژه شناسی نوربرت الیاس «پیکربندی»^۲ نامیده می شود)، که در آن تمایل به ارزش گذاری یک شیء توسط یک سوژه اتفاق می افتد را می توان در چندین سطح، از خرد جامعه شناسانه^۳ با بستر تعاملی موقعیت ملموس تا کلان جامعه شناسانه^۴ با بستر «فرهنگی» یک کشور و یک دوره، تعریف نمود. قصد من جست و جوی همین جنبه به کمک مقایسه میان فرانسه و امریکا بود. در فرانسه، بعد از کاربرد روی جنبه خرد جامعه شناسانه یک سری موارد معین - نمایشگاه های موقت، نمایش مجموعه هایی در موزه ها، سفارش های دولتی و... - این نتیجه حاصل شد که منطق های ارزش شناختی به کار گرفته شده در هر دو فرهنگ، هم زمان دارای مشابهت ها، دامنه، دسته بندی و ثبت ارزش هائی خوانده شده یکی هستند - و تفاوت هایی است - تأکید بر ارزش ها و دسته بندی ارزش های مشابهی نیست. همین امر است که به ما اجازه می دهد تا دوباره حدی از عقلانیت سیستم های ارزشی - در معنای انسجام درونی - را بدون الزامی برای جست و جوی یگانگی ارزش شناسانه در آن مشاهده کنیم: به اختصار می توان گفت، با آنکه نگاه هنجاری در تلاش برای تعریف یک ارزش شناسی همه گیر و معتبر مربوط به همه کس و همه جاست، تکرر به

1. logique axiologique

2. configuration

3. microsociologique

4. macrosociologique

5. registre des valeurs

هیچ عنوان با عدم منطق‌پذیری همسان نیست.

در واقع موارد مجادله بیش از مرور ارزیابی‌های مثبت این مطالعه می‌توانند تفاوت ارزیابی‌ها و منطقشان را نمایش دهند: اعم از افراد درگیر، مانند موردی که در فرانسه دربارهٔ واپس‌زنی هنر معاصر مطالعه کرده بودم، یا «فرهنگ‌هایی» که در آن‌ها این مجادلات بروز می‌کنند، چنان‌که مطالعهٔ فوق نشان می‌دهد. در نتیجه، باید ارزش‌های مطرح‌شده را تبیین کرد: در حقیقت، برخلاف سلیقه، ارزش‌ها الزاماً آگاهانه نیستند. اگرچه تمایز پی‌یر بوردیو قادر به تأکید روی تحقیقاتی بود که بر سلیقهٔ شخصی تمرکز داشتند، این روش کلاسیک، قابل‌تعمیم به پژوهشی در باب ارزش‌ها نیست؛ زیرا معطوف به بررسی زمینهٔ ارزش‌گذاری‌هاست، بدون آنکه جهت کارآمدی پژوهش، دسترسی کنشگران به سیستم ارزش‌شناختی خود و یا آگاهی از آن الزامی باشد؛ دقیقاً مانند سخنرانی که زبانی را به خوبی صحبت می‌کند، بدون آنکه تسلط دقیقی به قواعد دستوری آن داشته باشد. به همین نحو، کنشگر اجتماعی قادر به راه‌اندازی سیستمی از ارزش‌هاست، بدون آنکه الزاماً قادر به تشریح آن باشد؛ امری که دلیل کم‌بار بودن تحقیقاتی است که در آن‌ها از سوژهٔ تحقیق خواسته می‌شود تا به اختصار ارزش‌هایش را طرح کند.

چنین نیازی به توضیح ارزش‌ها، پیش از هر نگاه تبیینی، ضرورت داشتن دیدگاهی جامع را مطرح می‌نماید، آن هم زمانی که نه تنها عوامل ارزش‌گذاری بلکه دلایل آن‌ها نیز مد نظر است. پس نمی‌توانیم به پرسش از کنشگران بسنده کنیم (بر خلاف رویهٔ رهیافت عقل‌گرا به ارزش‌ها که پیشاپیش جنبهٔ ناآگاهانهٔ اعمال را نادیده می‌گیرد): توصیف تجربهٔ کنشگران مستلزم ارائهٔ تحلیلی از سوی محقق است.

جدا از شباهت آشکار فرایند ارزش‌گذاری هنر معاصر توسط افراد

مبتدی در هر دو طرف اقیانوس اطلس، مسئله اصلی ای که تحقیق نشان می دهد احساس وجود شکاف «فرهنگی» عمیقی میان دو کشور است.^۱ اما این تحقیق فقط منجر به فهم بیشتر کشور هدف یعنی ایالات متحد نمی شود، بلکه فرانسه کشور مبدأ قیاس را نیز شامل شده است. به خوبی آگاهیم که بهترین روش برای دریافت ارزش های خود سفر است. به همین نحو، پژوهش میشل لامون در امریکا حول مقایسه ارزش های آمریکایی ها و فرانسوی ها به صورتی روشمند این امر را گواهی می دهد.^۲ نتایج پژوهش فرانسوی پیش تر منتشر شده است و پژوهش پیش رو بر بخش آمریکایی پروژه متمرکز است. به همین علت، قیاس دو کشور نامتقارن خواهد بود؛ زیرا فقط موارد فرانسوی برجسته، یادآوری و به نحوی ترکیبی مطرح خواهند شد.^۳ اما این عدم تقارن، با شرایط خاص تحلیل هماهنگ است که توسط محقق فرانسوی، با آشنایی محدود با فرهنگ آمریکایی، انجام شده است. این امر غالباً حاصل به پرسش کشیدن خصوصیات فردی^۴ بیگانه، نه تعادلی ظریف میان دو وضعیت همچنان مشابه یا منحصر به فرد است. وضعیت ایدئال، وجود دو محقق آمریکایی و فرانسوی خواهد بود که هر کدام روی کشور دیگری تحقیق می کنند. اما بهترین پروژه های پژوهشی همیشه در وضعیت ایدئال خود انجام نمی شوند.

۱. این احساس با تحلیل درخشان فردریک مارتل از سیستم تأمین مالی فرهنگ تأیید شد: Martel, *De la culture en Amérique*.

همین طور در بُعدی دیگر، در قیاس آلن ارنبرگ از روان شناسی و جامعه در دو کشور: Ehrenberg, *La Société du malaise*.

2. Lamont, *La Morale et l'argent: Les valeurs des cadres en France et aux États-Unis*; Ibid., *La Dignité des travailleurs*.

۳. برای اولین مقایسه بین دو کشور

Cf. Heinich, "Outside Art and Insider Artists: Gauging Public Reactions to Contemporary Art".

4. idiosyncrasies

بر خلاف انتظار معمول از پژوهش‌های متمرکز بر هنر، این نوشتار حاوی تصاویر نیست.^۱ این مسئله به دو دلیل است: اول، موضوع تحقیق، اثر هنری نیست، بلکه مطالعه واکنشی است که اثر، عاملش است و از طریق این واکنش‌ها، مطالعه منابع مشترک ارزش‌گذاری کنشگران میسر می‌شود. اگرچه برخی از معیارهای ارزش‌گذاری تا حدی در خود اثر هنری ثبت شده‌اند (برای مثال تقارن، برای کسانی که آن را به عنوان معیار زیبایی‌شناختی در نظر می‌گیرند)، برعکس، بسیاری از ارزش‌های پنهان (برای مثال زیبایی) متعلق به خود شیء ارزیابی شده نیستند و بر خلاف میل سنت عینیت‌گرای زیبایی‌شناسی فلسفی، به یک «سوژه»ی فردی متعلق‌اند: لذا به دستور زبان ارزش‌شناختی مشترک بین کنشگران در بطن یک فرهنگ تعلق دارند. این دستور زبان، که هدف پژوهش ماست، به تصاویر هیچ نیازی ندارد.

مطمئناً به کارگیری این زبان بر «دریافت‌ها»^۲ی مهیاشده از طریق اشیاء متکی است؛ این دریافت‌ها در جامعه‌شناسی ارزش‌گذاری، با منابع ارزش‌شناختی سوژه‌ها و ویژگی‌های بافتار، واجد اهمیت یکسان‌اند. پس ارائه شرحی بر این اشیاء ضروری می‌نماید تا به درک درستی از واکنشی که عاملش هستند برسیم؛ این دلیل دوم فقدان تصویر در این متن است. بر خلاف هنر کلاسیک و مدرن، هنر معاصر به بازتولید شمایی^۳ کمتر تن می‌دهد، که علت این امر وابستگی شدید به بافتار نمایشش است. به همین ترتیب، چشمه، آبریزگاه مشهور دوشان، اساس هویت خود - عاملیتش - را از دست خواهد داد، اگر فقط در یک تصویر و جدا از زمینه گالری نقاشی، موزه یا داستان نمایشش در فضای عمومی ظاهر شود. هنر معاصر نیز چنین وضعیتی دارد: تجربه‌ای

۱. در «مقدمه مترجم» در مورد دلایل اضافه کردن تصاویر به متن توضیحاتی ارائه گردید. - م.

2. prises

۳. منظور مؤلف بازنمایی تصویری است. - م.

انجام شده و هنری که خود را بیشتر با توصیفی زبانی و یا بهتر بگوییم داستان، نه نمایش خودش^۱، روایت می کند.

تحقیق مربوط به امریکا از کمک مالی بنیاد فولبرایت^۲ و کمک ژاک سولیو^۳، بخش فرهنگی سفارت فرانسه در امریکا و همچنین مرکز ملی تحقیقات علمی بهره برده است. لازم است در اینجا از تمام کسانی تشکر کنم که در امریکا، با فراهم آوردن داده ها و مدارک، این پژوهش را یاری کردند، به خصوص دنیس فاسانلو، برایان گلدفارب، آرفوس گرین وود، توبی فالک، جولی ملبی، الیزابت وینبرگ، مارتا ویلسون (نیویورک)، میلنا کالینوفسکا، کاتی کلاین (بوستون)، آندرتا میلر - کلر (هارتفورد)، جنیفر دولی، آن گرین، ماریسا کلر (واشینگتن)، کری اایگل و جودیت تاننوم (فیلادلفیا)^۴. جدا از جمع آوری داده ها، این پژوهش بدون نوآوری و انرژی میشل لامون و لوران تونو، آغازگران برنامه تطبیقی، تحقق نمی یافت؛ همچنین همه شرکت کنندگان فرانسوی و امریکایی، بحث های زیادی که داشتیم و همکاران من، اریک فسن، پتر می یر، آلن کمن، ورا و آری زولبرگ^۵ در آخر اضافه کنم که متن نهایی حاوی قسمتی از نظرات و پیشنهادهای دنی تروم، فردریک مارتل و جerald برونه^۶ است؛ در همین جا صمیمانه از زمان و اطمینانی که صرف کردند تشکر می کنم.

۱. این دیدگاه در اثر دیگری از مؤلف بسط داده شده است:

N. Heinich, "L'archive, oeuvre d'art", entretien avec Christian Boltanski, *Sociétés et représentations*, n°19, 2005.

2. Fullbright

3. Jacques Soullillou

4. Denise Fasanello, Brian Goldfarb, Arfus Greenwood, Tobbie Falk, Julie Melby, Elizabeth Weinberg, Martha Wilson, Milena Kalinovska, Katy Kline, Andrea Miller-Keller, Jennifer Dowley, Ann Green, Marisa Keller, Carrey O'Eagle, Judith Tannenbaum

5. Eric Fassin, Peter Meyers, Alain Quemin, Vera et Ari Zolberg

6. Danny Trom, Frédéric Martel, Gérald Bronner

